

پیش‌بینی احساس امنیت و لذت اجتماعی بر اساس انعطاف‌پذیری شناختی: نقش تعدیل‌گری شرم و گناه، میانجی‌گری خودانتقادگری در زنان دارای اختلال افسردگی

نجیمه صادقیان^۱

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

چکیده

هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی احساس امنیت و لذت اجتماعی بر اساس انعطاف‌پذیری شناختی با بررسی نقش تعدیل‌گری شرم و گناه و نقش میانجی‌گری خودانتقادگری در زنان دارای اختلال افسردگی بود. روش پژوهش توصیفی-همبستگی از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری شامل تمامی زنان مبتلا به اختلال افسردگی مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره و روان‌درمانی شهر اصفهان در نیمه دوم سال ۱۴۰۴ بود که از میان آن‌ها ۱۶۲ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل مقیاس احساس امنیت و لذت اجتماعی گیلبرت و همکاران (۲۰۰۹)، پرسشنامه انعطاف‌پذیری شناختی دنیس و وندروال (۲۰۱۰)، مقیاس شرم و گناه کوهن و همکاران (۲۰۱۱) و پرسشنامه خودانتقادگری تامپسون و زاروف (۲۰۰۴) بود. داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و تحلیل مسیر در نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۶ و SmartPLS تحلیل شدند. نتایج نشان داد انعطاف‌پذیری شناختی اثر مثبت و معناداری بر احساس امنیت و لذت اجتماعی دارد و به طور معناداری خودانتقادگری را کاهش می‌دهد. همچنین شرم و خودانتقادگری اثر منفی و معناداری بر احساس امنیت و لذت اجتماعی داشتند. نتایج تحلیل‌ها نشان داد شرم و گناه نقش تعدیل‌کننده در رابطه بین انعطاف‌پذیری شناختی و احساس امنیت و لذت اجتماعی ایفا می‌کنند و خودانتقادگری نیز این رابطه را میانجی‌گری می‌کند ($P \leq 0/05$). به طور کلی تقویت انعطاف‌پذیری شناختی و کاهش شرم و خودانتقادگری می‌تواند به افزایش احساس امنیت و لذت اجتماعی در زنان مبتلا به افسردگی کمک کند.

واژه‌های کلیدی: احساس امنیت و لذت اجتماعی، اختلال افسردگی، انعطاف‌پذیری شناختی، خودانتقادگری، شرم و گناه.

مقدمه

افسردگی یکی از مهم ترین مسائل سلامت روان و از علل اصلی بار بیماری های روانی در جهان است (مائو و همکاران، ۲۰۲۵). شواهد نشان می دهد زنان بیش از مردان در معرض این اختلال قرار دارند؛ به گونه ای که در ایران احتمال ابتلای زنان به افسردگی تقریباً دو برابر مردان گزارش شده و حدود ۲۵ تا ۶۴ درصد آنان ممکن است در طول زندگی دست کم یک دوره افسردگی را تجربه کنند (دهقانی و همکاران، ۲۰۲۲). افسردگی افزون بر پیامدهای جسمانی و روان شناختی، عملکرد بین فردی و اجتماعی فرد را نیز به طور جدی مختل می کند (سانتینی و همکاران، ۲۰۲۰). ضعف در ایجاد و حفظ روابط سالم، دشواری در مدیریت موقعیت های اجتماعی و حساسیت به طرد می تواند به انزوا، تنیدگی بین فردی و افت کیفیت زندگی منجر شود (دانیل و همکاران، ۲۰۲۰؛ فری و مک کیب، ۲۰۲۰؛ کوپفرشمیت و هاسلر، ۲۰۲۳). با وجود گسترش پژوهش ها درباره پیامدهای بالینی افسردگی، ابعاد اجتماعی آن، به ویژه احساس امنیت و لذت اجتماعی، کمتر بررسی شده اند؛ با آنکه این ابعاد برای حفظ روابط بین فردی موفق اهمیت اساسی دارند (نایت و بو، ۲۰۱۹؛ ویتمن و همکاران، ۲۰۱۹).

بر اساس نظریه امنیت هیجانی دیویس و کامینگز، احساس ناامنی هیجانی و ادراک تهدید در روابط می تواند زمینه ساز شکل گیری یا تداوم افسردگی باشد (ارکین گیز و همکاران، ۲۰۲۳). احساس امنیت اجتماعی به ادراک فرد از ایمنی، اعتماد، تعلق، کنترل و توانایی مقابله با خطرهای احتمالی در تعاملات اجتماعی اشاره دارد (گنگ و همکاران، ۲۰۲۱) و بیانگر فقدان اضطراب، دلهره و نگرانی در مواجهه با امور اجتماعی است (هانمی و همکاران، ۱۳۹۴). این احساس از تجربه های مستقیم و غیرمستقیم فرد در محیط اجتماعی تأثیر می پذیرد و برای سلامت روان و تداوم روابط اجتماعی ضروری است (گیلبرت، ۲۰۲۴؛ رادفر و حبیبزاده، ۱۳۹۷؛ یوسفی و همکاران، ۱۴۰۳). افراد افسرده معمولاً حساسیت بیشتری به طرد اجتماعی دارند و درباره تجربه های منفی بین فردی بیشتر نشخوار فکری می کنند؛ الگوهایی که کاهش اعتماد، طرد اجتماعی و تشدید نشانه های افسردگی را در پی دارند (پورسلی و همکاران، ۲۰۲۰؛ کوپفرشمیت و هاسلر، ۲۰۲۳).

یکی از متغیرهای محافظتی در برابر این پیامدها، انعطاف پذیری شناختی است. این مفهوم به توانایی تغییر دیدگاه، بازنگری ارزیابی ها، تنظیم پاسخ های هیجانی و سازگاری با شرایط جدید و چالش برانگیز اشاره دارد (فونسکا و همکاران، ۲۰۲۰؛ اصل و واقف، ۲۰۲۲). افراد دارای انعطاف پذیری شناختی بالا، در موقعیت های تنش زا ارزیابی های سازگارانه تری از خود، دیگران و محیط ارائه می کنند و بهتر می توانند افکار منفی و واکنش های هیجانی خود را کنترل کنند؛ از این رو، در روابط بین فردی امنیت و آرامش بیشتری تجربه می کنند (ژانگ و همکاران، ۲۰۲۵؛ گارسیا-فرناندز و همکاران، ۲۰۲۵). در مقابل، انعطاف پذیری شناختی پایین با تفکر خشک، خودارزیابی منفی، شرم، گناه افراطی و خودانتقادگری همراه است (ژائو و همکاران، ۲۰۲۰).

این موضوع با نظریه شناختی افسردگی بک نیز همخوان است. بر اساس این نظریه، افراد افسرده رویدادهای منفی را به ضعفها و نقص های درونی خود نسبت می دهند و در نتیجه، احساس بی ارزشی، ناامیدی و ناامنی بیشتری را تجربه می کنند. یافته ها نیز نشان داده اند که احساس ناامنی و خودارزیابی منفی، شامل شرم، گناه و خودانتقادگری، از ویژگی های بنیادین افسردگی هستند (ژائو و همکاران، ۲۰۱۸؛ ایلپچتو و همکاران، ۲۰۲۰؛ پلازا-فرناندز و همکاران، ۲۰۱۹). همچنین بر اساس الگوی شخصیتی بلات، افسردگی می تواند به دو صورت وابسته و خودانتقادی ظاهر شود. در نوع وابسته، ترس از رهاشدگی، درماندگی و نیاز شدید به حمایت برجسته است؛ در حالی که در نوع خودانتقادی، خودسرزنشگری، نارضایتی از خود و ارزیابی منفی خویشتن غلبه دارد (دنگ و همکاران، ۲۰۱۹).

خودانتقادگری می تواند حلقه واسط میان کاهش انعطاف پذیری شناختی و کاهش احساس امنیت و لذت اجتماعی باشد؛ زیرا با تقویت افکار منفی، احساس شکست و گناه، تنظیم هیجان و تعاملات اجتماعی را مختل می کند (وانگ و همکاران، ۲۰۲۵). این سازه به ارزیابی منفی و سخت گیرانه فرد از خود، به ویژه در موقعیت های شکست ادراک شده، اشاره دارد و یکی از عوامل

فرا تشخیصی مؤثر در اختلالات روان شناختی محسوب می شود (پکین و گوم، ۲۰۲۵). میان افسردگی و خودانتقادگری نیز رابطه ای چرخه ای وجود دارد؛ به این معنا که خودانتقادگری نشانه های افسردگی را تشدید می کند و افسردگی نیز ارزیابی منفی فرد از خود را افزایش می دهد (مکاین تایر و همکاران، ۲۰۱۸). مهدوی راد و همکاران (۲۰۲۳) نیز نشان دادند که شرم و خودانتقادگری در رابطه میان سبک های دلبستگی و شدت علائم افسردگی نقش میانجی دارند.

در کنار خودانتقادگری، هیجان های خودآگاه شرم و گناه نیز می توانند شدت این روابط را تغییر دهند. شرم معمولاً با ارزیابی منفی کلی از خود، احساس بی کفایتی و اجتناب از تعاملات اجتماعی همراه است؛ اما گناه بیشتر به ارزیابی یک رفتار مشخص مربوط می شود و در برخی شرایط می تواند به جبران و اصلاح رفتار منجر شود (او و همکاران، ۲۰۲۳؛ شوستر و همکاران، ۲۰۲۱). همچنین شرم و گناه می توانند رابطه میان افکار منفی و علائم افسردگی را تقویت یا تعدیل کنند (مایلز و همکاران، ۲۰۲۵). بنابراین، می توان انتظار داشت که خودانتقادگری در رابطه میان انعطاف پذیری شناختی و احساس امنیت و لذت اجتماعی نقش میانجی داشته باشد و شرم و گناه نیز شدت و جهت این رابطه را تعدیل کنند.

زنان مبتلا به افسردگی به دلیل فشارهای اجتماعی، نقش های همزمان خانوادگی و شغلی و انتظارات فرهنگی، ممکن است بیش از دیگران در معرض ناامنی، کاهش عزت نفس و افت لذت اجتماعی قرار گیرند. با وجود مطالعات انجام شده درباره ارتباط احساس امنیت، خودانتقادگری، انعطاف پذیری شناختی، شرم و گناه با افسردگی (گنگ و همکاران، ۲۰۲۱؛ شومالی و همکاران، ۲۰۲۴؛ سنکندر و همکاران، ۲۰۲۳؛ تائو و همکاران، ۲۰۲۱)، بررسی همزمان این متغیرها در قالب الگویی منسجم کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از این رو، پژوهش حاضر با هدف پیش بینی احساس امنیت و لذت اجتماعی بر اساس انعطاف پذیری شناختی، با میانجی گری خودانتقادگری و تعدیل گری شرم و گناه در زنان مبتلا به اختلال افسردگی انجام می شود. تبیین این روابط می تواند به شناخت دقیق تر سازوکارهای شناختی و هیجانی افسردگی و طراحی مداخلات مؤثرتر برای ارتقای سلامت روان، کیفیت روابط و بهزیستی اجتماعی زنان کمک کند.

روش شناسی

این پژوهش از نوع توصیفی - همبستگی و مبتنی بر مدل یابی معادلات ساختاری بود و با هدف بررسی نقش انعطاف پذیری شناختی در پیش بینی احساس امنیت اجتماعی و لذت اجتماعی با میانجی گری خودانتقادگری و تعدیل گری شرم و گناه انجام شد. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی زنان مبتلا به اختلال افسردگی مراجعه کننده به مراکز مشاوره و روان درمانی شهر اصفهان در نیمه دوم سال ۱۴۰۴ بود. نمونه گیری به روش در دسترس انجام شد و در مجموع ۱۶۲ نفر از زنان مبتلا به افسردگی که واجد شرایط ورود به مطالعه بودند در پژوهش شرکت کردند. معیارهای ورود به پژوهش شامل تشخیص اختلال افسردگی توسط روان پزشک یا روان شناس بالینی بر اساس ملاک های تشخیصی راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی (DSM-۵-TR)، داشتن دامنه سنی ۱۸ تا ۵۵ سال، توانایی خواندن و پاسخ دهی به پرسشنامه ها و ارائه رضایت آگاهانه برای شرکت در پژوهش بود. همچنین افرادی که دارای اختلالات شدید روان پریشی، مصرف فعال مواد یا شرایطی بودند که مانع پاسخ دهی دقیق به ابزارهای پژوهش می شد، از مطالعه کنار گذاشته شدند.

پس از اخذ مجوزهای لازم و ارائه توضیحات لازم درباره اهداف پژوهش، رضایت آگاهانه از شرکت کنندگان دریافت شد و از افراد واجد شرایط خواسته شد مجموعه ای از پرسشنامه های استاندارد پژوهش را تکمیل کنند. ابزارهای مورد استفاده شامل مقیاس احساس امنیت و لذت اجتماعی (گیلبرت و همکاران، ۲۰۰۹)، پرسشنامه انعطاف پذیری شناختی (دنیس و وندر وال، ۲۰۱۰)، آزمون عواطف خودآگاه برای سنجش شرم و گناه (کوهن و همکاران، ۲۰۱۱) و مقیاس سطوح خودانتقادگری (تامپسون و زوروف، ۲۰۰۴) بود. برای رعایت اصول اخلاق پژوهش، اطلاعات شرکت کنندگان به صورت محرمانه و ناشناس ثبت شد. داده های جمع آوری شده ابتدا با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۶ برای محاسبه شاخص های توصیفی و بررسی همبستگی بین متغیرها تحلیل شدند. سپس برای آزمون مدل مفهومی پژوهش و بررسی اثرات مستقیم، غیرمستقیم و تعدیل گر متغیرها

از مدل‌یابی معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار SmartPLS نسخه ۴ استفاده شد. همچنین برای بررسی معناداری اثرات غیرمستقیم از روش بوت‌استرپ با ۵۰۰۰ بازنمونه‌گیری و فاصله اطمینان ۹۵ درصد استفاده شد و شاخص‌های برازش مدل گزارش گردید.

پرسشنامه احساس امنیت و لذت اجتماعی (SSPS)

این مقیاس دارای ۱۱ گویه و به صورت خود گزارشی می‌باشد که توسط گیلبرت و همکاران (۲۰۰۹) جهت سنجش احساس امنیت اجتماعی طراحی و ساخته شده است. این مقیاس تجربه فرد را از درک جهان اجتماعی خود به صورت محیطی امن، صمیمی و پذیرا نشان می‌دهد. شرکت‌کنندگان توافق خود را با جملات بر اساس مقیاس لیکرت از ۱ تا ۵ درجه‌بندی می‌کنند (۱ تقریباً هرگز تا ۵ تقریباً همیشه). حداقل نمره ۱۱ و حداکثر نمره ۵۵ می‌باشد. ضریب آلفای کرونباخ برای نسخه اصلی این ابزار ۰/۹۱ و برای نسخه ترک آن ۰/۸۲ گزارش شده است. همچنین در نسخه ترک آن دامنه همبستگی تصحیح شده ماده‌های این مقیاس با نمره کل از ۰/۳۴ تا ۰/۶۱ گزارش شده است (اکین و اکین، ۲۰۱۶). یعغوبخانی و همکاران (۱۳۹۷) در بررسی پایایی، روایی و ساختار عاملی نسخه فارسی مقیاس امنیت و لذت اجتماعی در جامعه جوانان ایرانی ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۱ را گزارش کردند که نشان داد که مقیاس امنیت و لذت اجتماعی از همسانی درونی مطلوبی برخوردار است. ضریب باز آزمایی به فاصله ۵ هفته (۰/۷۵)، ثبات مقیاس را نشان داد. تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی از الگوی تک عاملی حمایت کرد که با الگوی یک عاملی نسخه اصلی این مقیاس همخوان است (یوسفی و همکاران، ۱۴۰۳). در پژوهش حاضر ضریب پایایی پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۹۵ به دست آمد.

پرسشنامه انعطاف‌پذیری شناختی (CFI)

این پرسشنامه توسط دنیس و وندروال (۲۰۱۰) معرفی شده و یک ابزار خودگزارشی کوتاه ۲۰ سؤالی است که برای سنجش نوعی از انعطاف‌پذیری شناختی که در موفقیت فرد برای چالش و جایگزینی افکار ناکارآمد با افکار کارآمدتر لازم است، به کار می‌رود. این پرسشنامه برای ارزیابی میزان پیشرفت فرد در کار بالینی و غیر بالینی و برای ارزیابی میزان پیشرفت فرد در ایجاد تفکر انعطاف‌پذیر در درمان شناختی رفتاری افسردگی و سایر بیماری‌های روانی به کار می‌رود. این پرسشنامه بر اساس مقیاس ۷ درجه‌ای لیکرت نمره‌گذاری می‌شود. به این صورت که به گزینه کاملاً مخالفم نمره ۱، مخالفم ۲، کمی مخالفم ۳، نظری ندارم ۴، کمی موافقم ۵، موافقم ۶ و کاملاً موافقم ۷ داده می‌شود. کمترین و بیشترین نمره در این پرسشنامه به ترتیب ۲۰ و ۱۴۰ می‌باشد. سؤالات ۲، ۴، ۷، ۹، ۱۱، ۱۷، به طور معکوس نمره‌گذاری می‌شود. در پژوهش شاره و همکاران (۲۰۱۴) سه زیر مقیاس برای این پرسشنامه به دست آمده است که عبارت‌اند از جایگزین‌ها (سؤالات ۱۹، ۱۲، ۵، ۱۴، ۲۰، ۱۳، ۳، ۶، ۱۸، ۱۶)، کنترل (سؤالات ۱۱، ۷، ۱۷، ۲، ۴، ۹، ۱۵، ۱) و جایگزین‌هایی برای رفتارهای انسانی (سؤالات ۱۰، ۸). اعتبار هم‌زمان این پرسشنامه با افسردگی بک (BDI-II) برابر با ۰/۳۹ و روایی همگرایی آن با مقیاس انعطاف‌پذیری شناختی مارتین و رابین ۰/۷۵ بود (دنیس و وندروال، ۲۰۱۰). در ایران شاره و همکاران (۲۰۱۳) ضریب باز آزمایی کل مقیاس را ۰/۷۱ و ضرایب آلفای کرونباخ کل مقیاس را ۰/۹۰ گزارش نموده‌اند. در پژوهش حاضر ضریب پایایی پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۲ به دست آمد.

پرسشنامه احساس شرم و گناه (GASP)

به‌منظور سنجش و ارزیابی احساس شرم از پرسشنامه کوهن، وولف، پنتر و اینسکو (۲۰۱۱) استفاده شد. این مقیاس با استفاده از ۸ گویه، از افراد می‌خواهد تا خود را در یک موقعیت تصور کنند و واکنش افراد را به موقعیت‌های مختلف زندگی بر روی یک طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای (۱= اصلاً تا ۵= خیلی زیاد) می‌سنجد و دامنه نمرات بین ۸ تا ۴۰ می‌باشد. پرسشنامه احساس شرم دارای دو خرده مقیاس رفتار خود ارزیابانه (گویه های ۱ تا ۴) و رفتار کناره جوینانه (گویه های ۵ تا ۸) است. ضریب آلفای کرونباخ مقیاس شرم در پژوهش کوهن و همکاران (۲۰۱۱) بین ۰/۶۱ تا ۰/۷۱ به دست آمد. نسخه فارسی این مقیاس در پژوهش جوکار و کمالی (۱۳۹۴) اعتبارسنجی شد. ضریب آلفای کرونباخ در پژوهش ذکرشده ۰/۵۱ و روایی محتوایی آن ۰/۶۵ گزارش شد. در پژوهش حاضر ضریب پایایی پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۶۸ به دست آمد.

پرسشنامه خودانتقادی (LOCS)

در پژوهش حاضر از پرسشنامه سطوح خودانتقادی تامپسون و زاروف (۲۰۰۴) استفاده شد. این پرسشنامه ۲۲ سؤالی دو سطح خودانتقادی را در فرد می‌سنجد: اول خودانتقادی درونی شده (۱-۳-۵-۷-۹-۱۱-۱۳-۱۵-۱۷-۱۹) و دوم خودانتقادی مقایسه‌ای (۲-۴-۶-۸-۱۰-۱۲-۱۴-۱۶-۱۸-۲۰-۲۱-۲۲). پاسخ به هر ماده این مقیاس در یک طیف هفت‌درجه‌ای لیکرت از بسیار خوب توصیف‌کننده من است (۶) تا اصلاً توصیف‌کننده من نیست (۰) نمره‌گذاری می‌شود. سؤالات ۶-۸-۱۱-۱۲-۱۶-۲۰-۲۱ به طور معکوس نمره‌گذاری می‌شود. دامنه نمرات از ۲۲ تا ۱۵۴ می‌باشد. نمرات بالاتر در این مقیاس نشان‌دهنده سطح بالاتر خودانتقادی در فرد می‌باشد. تامپسون و زاروف (۲۰۰۴)، ضریب پایایی این پرسشنامه را به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۱ و روایی همگرای این ابزار را با مقیاس خودانتقادی ۰/۵۶ به دست آوردند. همچنین در پژوهش نوربالا (۱۳۹۱)، ضریب همسانی درونی مقیاس خود انتقادی در کل نمونه را ۰/۹۰ گزارش و روایی پرسشنامه هم بر اساس نظر متخصصان مورد تأیید قرار گرفت. در پژوهش حاضر ضریب پایایی پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۶ به دست آمد.

یافته ها

ویژگی‌های جمعیت شناختی نشان داد که میانگین سنی زنان شرکت‌کننده ۳۰/۰۶ سال با انحراف معیار ۱/۱۱ بود. افراد بین ۲۰ تا ۳۰ سال ۴۰/۶۵ درصد، بین ۳۱ تا ۴۰ سال ۱۶/۲۰ درصد، بین ۴۱ تا ۵۰ سال ۳۲/۸۰ درصد و بالای ۵۰ سال ۱۰/۳۵ درصد بود. همچنین ۲۱/۵ درصد زنان شرکت‌کننده دارای میزان تحصیلات دیپلم و فوق‌دیپلم، ۳۳/۵ درصد دارای تحصیلات کارشناسی و ۴۵ درصد دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و دکتری بودند. در جدول (۱) نتایج یافته‌های توصیفی و آزمون پیش‌فرض نرمال بودن داده‌ها ارائه شده است:

جدول ۱- نتایج یافته‌های توصیفی و آزمون کالموگروف-اسمیرنف

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	آماره	p-value
شرم و گناه	۲۵/۷۶	۷/۶۲	۰/۱۴۲	۰/۰۰۰
خودانتقادی	۶۲/۱۲	۳۵/۱۲	۰/۱۳۱	۰/۰۰۰
انعطاف‌پذیری شناختی	۹۴/۳۴	۹۲/۱۰	۰/۱۳۴	۰/۰۰۰
امنیت و لذت اجتماعی	۲۲/۸۷	۱۲/۰۱	۰/۱۷۷	۰/۰۰۰

نتایج جدول (۱) نشان داد که سطح معناداری آزمون کالموگروف-اسمیرنف کمتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین توزیع داده‌ها نرمال نبوده و برای آزمون مدل مفهومی و فرضیه‌ها از الگوریتم‌های مدل‌یابی معادلات ساختاری به روش PLS استفاده شد. برازش مدل اندازه‌گیری با بررسی پایایی شاخص‌ها شامل ضرایب بار عاملی، آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی انجام گرفت. بررسی بارهای عاملی نیز نشان داد که تمامی گویه‌ها دارای بار عاملی بالاتر از ۰/۴ هستند که کفایت شاخص‌های اندازه‌گیری را تأیید می‌کند. سایر شاخص‌های برازش مدل در جدول (۲) گزارش شده است.

جدول ۲- نتایج برازش مدل مفهومی پژوهش حاضر

متغیرها	R ^۲	پایایی مرکب	آلفای کرونباخ	شاخص متوسط واریانس استخراج شده	فورنل لارکر	GOF
شرم و گناه	-	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۱/۰۰	۰/۹۱
خودانتقادی	۰/۷۹۳	۰/۹۷۳	۰/۹۴۵	۰/۹۴۸	۰/۹۷۴	
انعطاف پذیری شناختی	-	۰/۹۶۵	۰/۹۴۶	۰/۹۰۲	۰/۹۵۰	
امنیت و لذت اجتماعی	۰/۸۹۹	۰/۹۶۵	۰/۹۶۰	۰/۷۱۵	۰/۸۴۵	

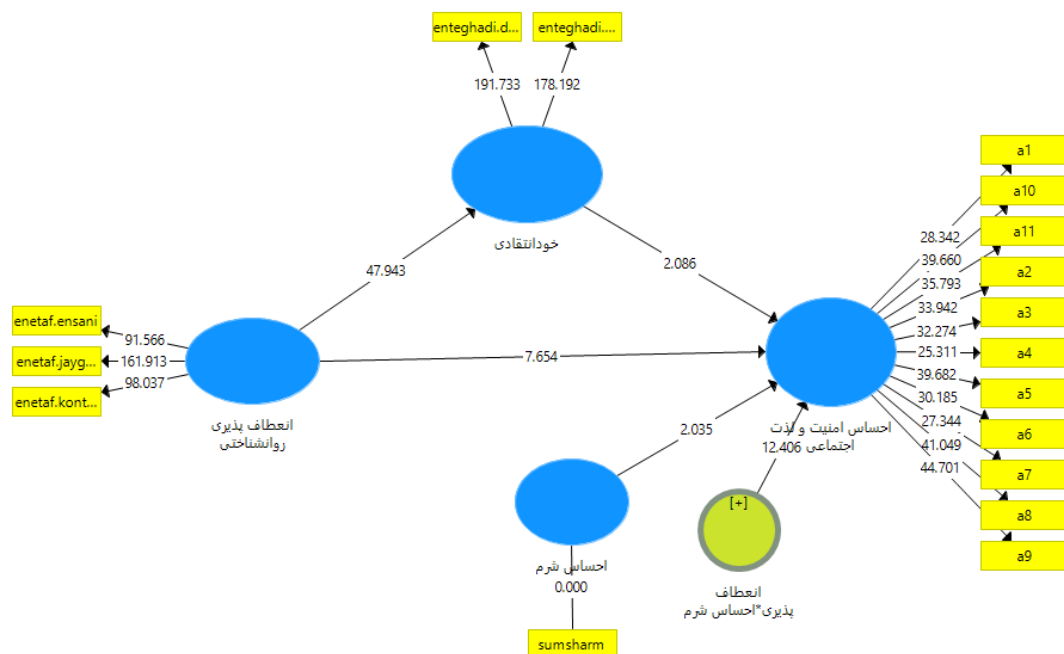
برای ارزیابی برازش کلی مدل در روش PLS از شاخص GOF استفاده شد. این شاخص بین صفر تا یک متغیر است و مقادیر نزدیک تر به یک نشان دهنده برازش مطلوب تر مدل هستند. بر اساس معیارهای رایج، مقادیر GOF معادل ۰.۱۰، ۰.۲۵ و ۰.۳۶ به ترتیب برازش ضعیف، متوسط و قوی محسوب می شوند. مقدار به دست آمده در این پژوهش برابر با ۰/۹۱ بود که بیانگر برازش بسیار مطلوب مدل کلی است. افزون بر این، ضرایب R^۲ مربوط به متغیرهای مکنون درون‌زا نیز نشان دهنده توان تبیینی مناسب مدل ساختاری بودند. بررسی روایی واگرا نیز با استفاده از معیار فورنل - لارکر انجام شد و نتایج جدول (۲) نشان داد جذر میانگین واریانس استخراج شده هر سازه بزرگ تر از بیشترین همبستگی آن با سایر سازه‌هاست؛ بنابراین روایی واگرا تأیید شد. در جدول (۳) نیز نتایج مربوط به اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای پژوهش و ضرایب معناداری آن‌ها گزارش شده است.

جدول ۳- نتایج اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای پژوهش

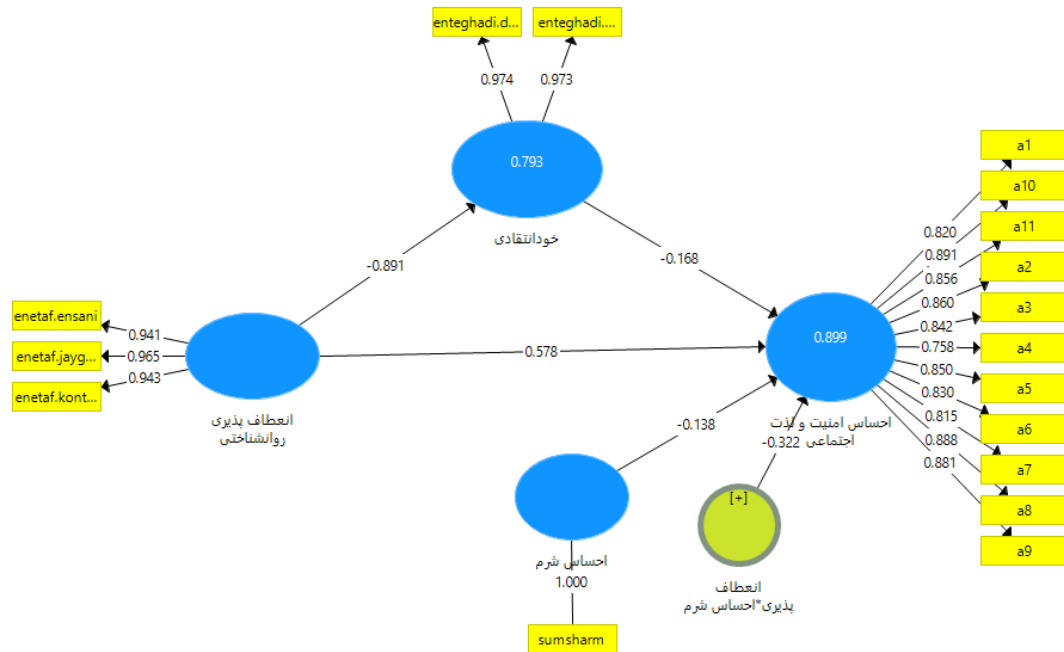
رابطه	ضریب مسیر	میانگین	خطای انحراف استاندارد	t	معنی داری	نتیجه آزمون
احساس شرم -> احساس امنیت و لذت اجتماعی	-۰/۱۳۸	-۰/۱۳۶	۰/۰۶۸	۲/۰۳۵	۰/۰۴۲	تأیید
انعطاف پذیری شناختی -> احساس امنیت و لذت اجتماعی	۰/۵۷۸	۰/۵۸۲	۰/۰۷۶	۷/۶۵۴	۰/۰۰۰	تأیید
انعطاف پذیری شناختی -> خودانتقادی	-۰/۸۹۱	-۰/۸۹۱	۰/۰۱۹	۴۷/۹۴	۰/۰۰۰	تأیید
انعطاف پذیری* احساس شرم -> احساس امنیت و لذت اجتماعی	-۰/۳۲۲	-۰/۳۲۲	۰/۰۲۶	۱۲/۴۰	۰/۰۰۰	تأیید

خودانتقادی - احساس امنیت و لذت اجتماعی	-۰/۱۶۸	-۰/۱۶۴	۰/۰۸۱	۲/۰۸۶	۰/۰۳۸	تأیید
انعطاف پذیری شناختی - خودانتقادی - احساس امنیت و لذت اجتماعی	۰/۱۵۰	۰/۱۴۶	۰/۰۷۳	۲/۰۶	۰/۰۴۰	تأیید

نتایج جدول (۳) نشان می‌دهد که احساس شرم بر احساس امنیت و لذت اجتماعی اثر مستقیم و منفی ($P=0/042$)، انعطاف‌پذیری شناختی بر احساس امنیت و لذت اجتماعی ($P=0/000$) اثر مستقیم و مثبت، انعطاف‌پذیری شناختی بر خودانتقادی اثر مستقیم و منفی ($P=0/000$)، خودانتقادی بر احساس امنیت و لذت اجتماعی ($P=0/038$) اثر مستقیم و منفی دارند. همچنین احساس شرم و گناه نقش تعدیل‌کنندگی در رابطه بین انعطاف‌پذیری شناختی بر احساس امنیت و لذت اجتماعی دارد و خودانتقادی نیز نقش میانجی‌گری در رابطه بین انعطاف‌پذیری شناختی بر احساس امنیت و لذت اجتماعی بر عهده دارد. در شکل (۱) مقدار ضرایب مسیر و در شکل (۲) مقدار آماره t ارائه شده است:



شکل ۱- مدل ترسیم شده همراه با ضرایب استاندارد



شکل ۲- مدل ترسیم شده همراه با مقادیر آماره t

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی احساس امنیت و لذت اجتماعی بر اساس انعطاف‌پذیری شناختی با در نظر گرفتن نقش تعدیل‌گری شرم و گناه و میانجی‌گری خودانتقادی در زنان دارای اختلال افسردگی انجام شد. نتایج نشان داد که احساس شرم و گناه نقش تعدیل‌کننده و خودانتقادی نقش میانجی در رابطه بین انعطاف‌پذیری شناختی و احساس امنیت و لذت اجتماعی بر عهده داشتند. این یافته با برخی از نتایج پژوهش‌های (Wong et al., ۲۰۲۵)، (Senkner, Shomali et al., ۲۰۲۴)، (Geng et al., et al., ۲۰۲۳)، (Tao et al., ۲۰۲۱) و (۲۰۲۱) همسو است. احساس امنیت و لذت اجتماعی در زنان افسرده معمولاً کاهش می‌یابد، زیرا افسردگی با افزایش حساسیت به طرد اجتماعی، کاهش خودارزشی و افت توانایی تجربه هیجانات مثبت همراه است (Marta-Simoes et al., ۲۰۱۷). زنان مبتلا به افسردگی در مقایسه با زنان غیر افسرده تهدید بیشتری را در روابط بین‌فردی ادراک می‌کنند و کمتر می‌توانند از تعاملات مثبت اجتماعی بهره‌مند شوند؛ این امر به تقویت چرخه انزوای و تشدید نشانه‌های افسردگی منجر می‌شود (Beck, ۱۹۷۹). همچنین احساس امنیت عاطفی در روابط نزدیک نقش مهمی در کاهش فشار روانی و بهبود کیفیت تجارب اجتماعی دارد و می‌تواند شدت علائم افسردگی را در زنان کاهش دهد (American Psychiatric Association, ۲۰۲۲). در ادامه، هر یک از یافته‌های پژوهش به‌طور جداگانه تبیین می‌شود.

در تبیین یافته پژوهش مبنی بر تأثیر مستقیم و مثبت انعطاف‌پذیری شناختی بر احساس امنیت و لذت اجتماعی زنان دارای اختلال افسردگی می‌توان بیان کرد که در زنان مبتلا به اختلال افسردگی معمولاً مجموعه‌ای از مشکلات هیجانی و بین‌فردی مشاهده می‌شود؛ از جمله افزایش حساسیت به طرد، ادراک تهدید در روابط، کاهش خودارزشی و افت تجربه لذت اجتماعی. این وضعیت باعث می‌شود زنان افسرده تعاملات اجتماعی را بیشتر به‌صورت منفی تفسیر کنند و احساس امنیت اجتماعی پایین‌تری داشته باشند (Kupferschmidt & Hasler, ۲۰۲۳). در چنین شرایطی، انعطاف‌پذیری شناختی نقش مهمی

ایفا می کند، زیرا توانایی فرد را برای تغییر دیدگاه، ارائه تفسیرهای جایگزین از موقعیت های اجتماعی و استفاده از راهبردهای مؤثر تنظیم هیجان افزایش می دهد (Fonseca et al., ۲۰۲۰)؛ در نتیجه، می تواند به طور مستقیم بر افزایش احساس امنیت و تجربه لذت اجتماعی اثر مثبت بگذارد. بر اساس نظریه شناختی افسردگی، افراد افسرده به دلیل طحواها و سوگیری های منفی، موقعیت های اجتماعی را تهدیدآمیز و ناکام کننده می بینند؛ بنابراین هر عاملی که کمک کند این تفسیرهای منفی انعطاف پذیرتر شوند، می تواند به کاهش ادراک تهدید و افزایش احساس امنیت منجر شود (Beck, ۱۹۷۹). انعطاف پذیری شناختی دقیقاً همین نقش را دارد، زیرا با ایجاد امکان بازبینی و اصلاح تفکر، از شدت پردازش های منفی می کاهد. از طرف دیگر، نظریه تنظیم هیجان Gross (۲۰۱۵) بیان می کند که توانایی بازآرزیابی شناختی، که یکی از مؤلفه های اصلی انعطاف پذیری شناختی است، به افزایش هیجانات مثبت و کاهش هیجانات منفی در موقعیت های اجتماعی کمک می کند. این مکانیسم در زنان افسرده که دچار کاهش لذت جویی اجتماعی و حساسیت هیجانی هستند، به طور خاص سبب افزایش لذت اجتماعی و تقویت تجربه های مثبت بین فردی می شود.

در تبیین یافته دیگر پژوهش مبنی بر نقش میانجی گری خودانتقادی در رابطه بین انعطاف پذیری شناختی و احساس امنیت و لذت اجتماعی می توان بیان کرد که افراد دارای انعطاف پذیری شناختی بالا کمتر دچار خودانتقادی شدید می شوند. بر اساس نظریه های شناختی، خودانتقادی یکی از سازه های کلیدی مرتبط با آسیب پذیری هیجانی و روابط اجتماعی مختل است؛ افراد خودانتقاد تعاملات اجتماعی را تهدیدآمیزتر تفسیر می کنند و احساس تعلق و امنیت کمتری تجربه می کنند (Thompson & Zuroff, ۲۰۰۴). از سوی دیگر، انعطاف پذیری شناختی با کاهش تفکر خشک و تک بعدی و با فراهم کردن امکان بازسازی شناختی، شدت این خودانتقادی را تعدیل می کند و در نتیجه، فرد تعاملات اجتماعی را با پذیرش بیشتر، قضاوت کمتر و احساس امنیت بالاتر تجربه می کند (Yuliusov et al., ۲۰۲۲). بر همین اساس، مسیر غیرمستقیم مشاهده شده نشان می دهد که بخشی از تأثیر انعطاف پذیری شناختی بر احساس امنیت و لذت اجتماعی از راه کاهش خودانتقادی صورت می گیرد؛ به این معنا که هرچه زنان انعطاف پذیرتر باشند، کمتر به خودانتقادی می پردازند و در نتیجه، تعاملات اجتماعی را مثبت تر و امن تر تجربه می کنند. همچنین از منظر نظریه طحواها، زنان مبتلا به افسردگی غالباً دارای طحواها های ناکارآمد مرتبط با بی ارزشی، احساس نقص و ترس از طرد هستند. این طحواها موجب می شوند که فرد در مواجهه با خطاها یا ناکامی ها به شدت خودانتقاد شود و خود را مقصر اصلی تنش های بین فردی بداند (Yao et al., ۲۰۲۲). چنین الگوی شناختی، ادراک فرد از روابط را تهدیدآمیز کرده و در نهایت موجب افت احساس امنیت اجتماعی و کاهش لذت ناشی از تعاملات مثبت می شود؛ اما زمانی که فرد از انعطاف پذیری شناختی بالاتری برخوردار باشد، توانایی بررسی مجدد افکار، ارائه تفسیرهای کمتر تهدیدکننده و تعدیل برداشت های منفی افزایش می یابد. طبق نظریه های شناختی، انعطاف پذیری به فرد اجازه می دهد به جای تفسیرهای کلیشه ای و منفی، دیدگاه های جایگزین و واقع بینانه تری را انتخاب کند و این فرایند مستقیماً از شدت خودانتقادی می کاهد (Beck, ۱۹۷۹). علاوه بر این، در مدل تنظیم هیجان Gross (۲۰۱۵)، یکی از مؤثرترین راهبردها برای بهبود هیجان های منفی، بازآرزیابی شناختی است؛ راهبردی که به شدت با انعطاف پذیری شناختی همپوشی دارد. زمانی که فرد قادر است موقعیت های استرس زا یا تعاملات اجتماعی را دوباره ارزیابی کند، شدت هیجان هایی مانند شرم، احساس ناکافی بودن و خودسرزنشی کاهش می یابد. کاهش این هیجان های منفی سبب می شود فرد در روابط اجتماعی احساس امنیت بیشتری کرده و تعاملات مثبت را با کیفیت و لذت بیشتری تجربه کند. از این منظر، انعطاف پذیری شناختی با فراهم کردن بستر لازم برای این بازآرزیابی، خودانتقادی را کاهش داده و اثر غیرمستقیم و تقویت کننده ای بر احساس امنیت و لذت اجتماعی دارد. در کنار این نظریه ها، Blatt's personality model مطرح می کند که خودانتقادی ریشه در نوعی سبک شخصیتی دارد که در آن فرد ارزش خود را وابسته به عملکرد، کمال گرایی و استانداردهای سخت گیرانه می بیند (Blatt, ۱۹۷۴). این سبک شخصیتی در افسردگی بسیار رایج است و موجب می شود فرد دائماً خود را با دیگران مقایسه کند، ترس از اشتباه داشته باشد و روابط را عرصه قضاوت دیگران تلقی کند. نتیجه چنین الگویی، کاهش لذت اجتماعی، افزایش اضطراب بین فردی و فقدان احساس امنیت است؛ اما انعطاف پذیری شناختی با ایجاد نوعی آزادسازی شناختی، امکان خروج از الگوهای خشک و کمال گرایی را

فراهم کرده و زمینه‌ای ایجاد می‌کند که فرد بتواند خطاها را طبیعی‌تر ببیند، فشار خودارزیابی را کاهش دهد و روابط را کمتر تهدیدآمیز تجربه کند. در مجموع، انعطاف‌پذیری شناختی یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های اصلی کارکرد اجتماعی سالم است، زیرا موجب افزایش تحمل ابهام، کاهش افکار منفی تکراری و افزایش انعطاف هیجانی می‌شود؛ عواملی که همگی با کاهش خودانتقادی و افزایش احساس امنیت اجتماعی مرتبط‌اند. بنابراین می‌توان گفت که خودانتقادی به‌عنوان یک عامل مخرب در روابط اجتماعی، در مسیر اثرگذاری انعطاف‌پذیری شناختی قرار دارد و کاهش آن توضیح می‌دهد که چگونه انعطاف‌پذیری شناختی می‌تواند بهبود معناداری در احساس امنیت و لذت اجتماعی زنان مبتلا به افسردگی ایجاد کند.

علاوه بر این، در تبیین یافته پژوهش مبنی بر نقش تعدیل‌کنندگی احساس شرم و گناه در رابطه بین انعطاف‌پذیری شناختی و احساس امنیت و لذت اجتماعی زنان دارای اختلال افسردگی می‌توان بیان کرد که انعطاف‌پذیری شناختی به‌طور کلی احساس امنیت و لذت اجتماعی را افزایش می‌دهد، اما زمانی که سطح شرم بالا باشد، شدت این اثر مثبت کاهش یافته و حتی تضعیف می‌شود؛ بنابراین شرم در نقش یک تعدیل‌گر منفی عمل کرده و میزان بهره‌مندی زنان افسرده از ظرفیت‌های مثبت انعطاف‌پذیری شناختی را کاهش می‌دهد. شرم یک هیجان عمیقاً خودمحور و مخرب است که توجه فرد را به نقص، اشتباه یا ناپسندگی درونی معطوف می‌کند. هنگامی که زنان افسرده سطوح بالایی از شرم را تجربه می‌کنند، حتی اگر از انعطاف‌پذیری شناختی برخوردار باشند، این هیجان شدید می‌تواند توان فرد را در استفاده از بازسازی شناختی، کسب دیدگاه جایگزین و کاهش تفسیرهای تهدیدآمیز مختل کند. در این حالت، شرم همانند یک فیلتر شناختی منفی عمل می‌کند و اجازه نمی‌دهد انعطاف‌پذیری شناختی تأثیر کامل خود را بر احساس امنیت اجتماعی بگذارد. از سوی دیگر، بر اساس مدل خودآگاهی Tangney and Dearing (۲۰۰۳)، شرم برخلاف گناه به کل خود حمله می‌کند و موجب احساس بی‌ارزشی و کناره‌گیری اجتماعی می‌شود. این کناره‌گیری و نظارت افراطی بر خویشتن از عناصر کلیدی کاهش لذت اجتماعی و افزایش حس تهدید در روابط است. در چنین شرایطی، هرچند فرد از توانایی شناختی لازم برای تعدیل افکار برخوردار است، اما شرم به‌عنوان یک هیجان فراگیر مانع ورود او به فرایندهای اصلاح و بازسازی شناختی می‌شود. همچنین، احساس شرم نه‌تنها برداشت فرد از دیگران را منفی‌تر می‌کند، بلکه رابطه فرد با خودش را نیز تضعیف می‌سازد (Locke & Locke-Sikorski, ۲۰۲۱). فرد شرم‌زده معمولاً با نوعی خودنظارت‌گری افراطی و قضاوت سخت‌گیرانه نسبت به خویشتن مواجه است؛ حالتی که فضای ذهنی لازم برای انعطاف‌پذیری شناختی را محدود می‌کند (Senkner et al., ۲۰۲۳). انعطاف‌پذیری شناختی نیازمند امکان بازبینی افکار، بررسی گزینه‌های مختلف و پذیرش احتمال خطاست، اما شرم شدید این فضا را محدود می‌کند و اجازه نمی‌دهد فرد خود را شایسته روابط امن بداند. به همین دلیل، حتی اگر فرد توان شناختی بازنگری داشته باشد، شرم فعال مانع بهره‌گیری از این توانایی برای افزایش احساس امنیت و لذت اجتماعی می‌شود. علاوه بر این، شرم با کاهش رفتارهای اجتماعی مثبت و افزایش کناره‌گیری اجتماعی مرتبط است؛ کناره‌گیری‌ای که در زنان افسرده بیشتر مشاهده می‌شود. این کناره‌گیری سبب می‌شود فرد فرصت‌های تجربه لذت اجتماعی را از دست بدهد و روابط حمایت‌گرانه‌ای که معمولاً منبع ایجاد احساس امنیت هستند، شکل نگیرد یا تضعیف شود. در چنین وضعیتی، اثر مثبت انعطاف‌پذیری شناختی بر تعاملات اجتماعی کمتر قابل مشاهده خواهد بود، زیرا مسیر هیجانی و رفتاری موردنیاز برای اثرگذاری آن توسط شرم محدود شده است. بنابراین نتایج نشان می‌دهد که شرم به‌عنوان یک هیجان محدودکننده، نقش سدکننده‌ای در مسیر تأثیر انعطاف‌پذیری شناختی بر احساس امنیت و لذت اجتماعی دارد. هرچه شرم بالاتر باشد، زنان افسرده کمتر قادر خواهند بود از توانایی انعطاف‌پذیری شناختی خود برای کاهش تهدیدهای اجتماعی و افزایش لذت از روابط استفاده کنند. این یافته با مبانی نظری مرتبط با پیامدهای منفی شرم بر روابط اجتماعی، احساس تعلق و امنیت روان‌شناختی کاملاً همسو است.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به این موارد اشاره کرد که نمونه پژوهش محدود به زنان مراجعه‌کننده به مراکز درمانی شهر اصفهان بود؛ بنابراین نتایج آن به‌سادگی به سایر جوامع آماری قابل تعمیم نیست. همچنین داده‌ها بر اساس روش خودگزارشی جمع‌آوری شد که این امر امکان وجود سوگیری پاسخ‌دهی، کم‌اظهاری یا پراظهاری را افزایش می‌دهد. افزون بر

این، طراحی پژوهش مقطعی بود؛ از این رو روابط علی میان انعطاف پذیری شناختی، شرم، خودانتقادی و احساس امنیت اجتماعی به طور کامل قابل اثبات نیست. بر این اساس، پیشنهاد می شود پژوهش های آینده این موضوع را در میان مردان دارای اختلال افسردگی و نیز در سایر گروه های بالینی مبتلا به اختلالات روان شناختی بررسی کنند. همچنین استفاده از ابزارهای ارزیابی چندمنظوره، شامل روش های خودگزارشی، مشاهده ای و گزارش اطرافیان یا اعضای خانواده، برای کاهش سوگیری اطلاعات و افزایش اعتبار نتایج توصیه می شود.

References

- Alavi, K. , Asghari Moghadam, M. A. , Rahiminezhad, A. , Farahani, H. and Modares Gharavi, M. (۲۰۱۶). Psychometric properties of Social Safeness and Pleasure Scale (SSPS). *Fundamentals of Mental Health*, 19(۱), ۵-۱۳. [doi:10.22038/jfmh.2016.8104](https://doi.org/10.22038/jfmh.2016.8104)
- American Psychiatric Association. (۲۰۲۲). Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders (۵th ed., text rev.).
- Asl, F. A., & Vaghef, L. (۲۰۲۲). The effectiveness of high-frequency left DLPFC-rTMS on depression, response inhibition, and cognitive flexibility in female subjects with major depressive disorder. *Journal of Psychiatric Research*, ۱۴۹, ۲۸۷-۲۹۲. [In Persian] <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0022395622000255>
- Barani, H. , Salamat, S. P. and Fouladchang, M. (۲۰۲۰). Psychometric Properties of Adolescent and Adult Mindfulness Scale (AAMS). *Quarterly of Educational Measurement*, 11(۳۹), ۱۲۳-۱۵۲. [doi: 10.22054/jem.2020.01932.2040](https://doi.org/10.22054/jem.2020.01932.2040)
- Beck, A. T. (۱۹۶۷). Depression: Clinical, experimental, and theoretical aspects. Harper & Row.
- Beck, A. T. (۱۹۷۹). Cognitive Therapy of Depression. Guilford Press.
- Blatt, S. J. (۱۹۷۴). Levels of object representation in anaclitic and introjective depression. *Psychoanalytic Study of the Child*, ۲۹, ۱۰۷-۱۵۷. <https://doi.org/10.1080/0079730.8.1974.11822616>
- Cenkner, D. P., Usman, H., & Zalta, A. K. (۲۰۲۳). Differential associations of rumination and cognitive flexibility with guilt and shame following potentially morally injurious events. *Journal of affective disorders*, ۳۲۵, ۱۳۵-۱۴۰. <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0165032722015269>
- Dehghani , M., Daneshpour, M., & Javdan, M. (۲۰۲۳). Developing a model for depression in women living in Bushehr: A grounded theory study. *Applied Psychology*, ۱۲(۲), ۵۷-۷۶. [In Persian] [DOI: 10.22050/jac.2023.40376.1872](https://doi.org/10.22050/jac.2023.40376.1872)
- Danneel, S., Geukens, F., Maes, M., Bastin, M., Bijttebier, P., Colpin, H., ... & Goossens, L. (۲۰۲۰). Loneliness, social anxiety symptoms, and depressive symptoms in adolescence: Longitudinal distinctiveness and correlated change. *Journal of youth and adolescence*, ۴۹(۱۱), ۲۲۴۶-۲۲۶۴. <https://doi.org/10.1007/s10964-020-01315-w>

- Dennis, J. P., & Vander Wal, J. S. (۲۰۱۰). The cognitive flexibility inventory: Instrument development and estimates of reliability and validity. *Cognitive therapy and research*, ۳۴(۳), ۲۴۱-۲۵۳. <https://doi.org/10.1007/s10608-009-9276-4>
- Deng, Y., Wang, S., Leng, L., Chen, H., Yang, T., & Liu, X. (۲۰۱۹). Pleasing or withdrawing: Differences between dependent and self-critical depression in psychosocial functioning following rejection. *Personality and Individual Differences*, ۱۴۰, ۴-۹. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2018.02.037>
- Ercengiz, M., Safalı, S., Kaya, A., & Turan, M. E. (۲۰۲۳). A hypothetic model for examining the relationship between happiness, forgiveness, emotional reactivity and emotional security. *Current Psychology*, ۴۲(۲۱), ۱۸۳۵۵-۱۸۳۶۹. <https://doi.org/10.1007/s12144-022-02909-2>
- Fonseca, S., Trindade, I. A., Mendes, A. L., & Ferreira, C. (۲۰۲۰). The buffer role of psychological flexibility against the impact of major life events on depression symptoms. *Clinical Psychologist*, ۲۴(۱), ۸۲-۹۰. <https://doi.org/10.1111/cp.12194>
- Frey, A. L., & McCabe, C. (۲۰۲۰). Impaired social learning predicts reduced real-life motivation in individuals with depression: A computational fMRI study. *Journal of Affective Disorders*, ۲۶۳, ۶۹۸-۷۰۶. <https://doi.org/10.1016/j.jad.2019.11.049>
- García-Fernández, M., Fuentes-Sánchez, N., Escrig, M. A., Eerola, T., & Pastor, M. C. (۲۰۲۵). Gender, emotion regulation, and cognitive flexibility as predictors of depression, anxiety, and affect in healthy adults. *Current Psychology*, ۴۴(۷), ۵۶۸۵-۵۶۹۴. <https://doi.org/10.1007/s12144-024-07240-6>
- Geng, J., Lei, L., Han, L., & Gao, F. (۲۰۲۱). Shyness and depressive symptoms: a multiple mediation model involving core self-evaluations and sense of security. *Journal of affective disorders*, ۲۸۶, ۱۹-۲۶. <https://doi.org/10.1016/j.jad.2021.01.030>
- Gilbert, P. (۲۰۲۴). Threat, safety, safeness and social safeness ۳۰ years on: Fundamental dimensions and distinctions for mental health and well-being. *British journal of clinical psychology*, ۶۳(۳), ۴۵۳-۴۷۱. <https://doi.org/10.1111/bjc.12466>
- Gilbert, P., McEwan, K., Mitra, R., Richter, A., Franks, L., Mills, A., Bellew, R. & Gale, C. (۲۰۰۹). An exploration of different types of positive affect in students and patients with bipolar disorder. *Clinical Neuropsychiatry*, ۶, ۱۳۵-۱۴۳. <https://psycnet.apa.org/record/2009-22490-001>
- Gross, J. J. (۲۰۱۵). Emotion regulation: Current status and future prospects. *Psychological inquiry*, ۲۶(۱), ۱-۲۶. <https://doi.org/10.1080/1047840X.2014.940781>
- Hatami, A., Ahmadi, B., & Esmaeli, A. (۲۰۱۸). Factors associated with feelings of social security of citizens: A case study of women in Kermanshah. *Strategic Research on Social Problems*, 4(۳). [In Persian] https://ssoss.ui.ac.ir/article_17134.html?lang=en

- Iliceto, P., Fino, E., Schiavella, M., & Candilera, G. (۲۰۲۰). Individual differences in interpersonal security predict suicidal ideation and problem gambling. *Personality and Individual Differences*, ۱۶۲, ۱۱۰۰۳۱. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2020.110031>
- Knight, M. J., & Baune, B. T. (۲۰۱۹). Social cognitive abilities predict psychosocial dysfunction in major depressive disorder. *Depression and anxiety*, ۳۶(۱), ۵۴-۶۲. <https://doi.org/10.1002/da.22844>
- Kupferberg, A., & Hasler, G. (۲۰۲۳). The social cost of depression: Investigating the impact of impaired social emotion regulation, social cognition, and interpersonal behavior on social functioning. *Journal of Affective Disorders Reports*, ۱۴, ۱۰۰۶۳۱. <https://doi.org/10.1016/j.jadr.2023.100631>
- Li, Y., Li, D., Li, X., Zhou, Y., Sun, W., Wang, Y., & Li, J. (۲۰۱۸). Cyber victimization and adolescent depression: The mediating role of psychological insecurity and the moderating role of perceived social support. *Children and Youth Services Review*, ۹۴, ۱۰-۱۹. <https://doi.org/10.1016/j.childyouth.2018.09.027>
- Luck, T., & Luck-Sikorski, C. (۲۰۲۱). Feelings of guilt in the general adult population: prevalence, intensity and association with depression. *Psychology, health & medicine*, ۲۶(۹), ۱۱۴۳-۱۱۵۳. <https://doi.org/10.1080/13548506.2020.1859558>
- Mahdavi Rad, H., Zahedi Tajrishi, K., Ramezanifarani, A., & Asgharnejad Farid, A. (۲۰۲۳). The mediating role of shame and self-criticism in the relationship between attachment styles and severity of depressive symptoms. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*, ۲۸(۴), ۴۹۲-۵۰۷. [In Persian] [doi: https://doi.org/10.5812/ijcdc-157.66](https://doi.org/10.5812/ijcdc-157.66)
- Mao, Q. S., Guo, Y. X., Tian, X. L., Zhao, H. L., & Kong, Y. Z. (۲۰۲۰). Global burden of mental disorders in ۲۰۴ countries and territories results from the Global Burden of Disease Study ۲۰۲۱. *World Journal of Psychiatry*, ۱۰(۸), ۱۰۶۸۸۷. <https://doi.org/10.5498/wjp.v10.i8.106887>
- Marta-Simões, J., Ferreira, C., & Mendes, A. L. (۲۰۱۷). Shame and depression: The roles of self-reassurance and social safeness. *European Psychiatry*, ۴۱(S۱), s۲۴۱-s۲۴۱. [doi:10.1016/j.eurpsy.2017.02.012](https://doi.org/10.1016/j.eurpsy.2017.02.012)
- McIntyre, R., Smith, P., & Rimes, K. A. (۲۰۱۸). The role of self-criticism in common mental health difficulties in students: A systematic review of prospective studies. *Mental Health & Prevention*, ۱۰, ۱۳-۲۷. <https://doi.org/10.1016/j.mhp.2018.02.003>
- Miles, S., Crocker, K., Toh, W. L., & Phillipou, A. (۲۰۲۰). Perfectionism, and divergent and flexible thinking in anorexia nervosa. *Eating Disorders*, ۱-۲۱. <https://doi.org/10.1080/10640266.2020.2053837>
- Mohammad Reza, Radfar, & HABIBZADEH, ASHAB. (۲۰۱۸). The Effective Social Factors on the Sense of Social Security. *JOURNAL OF SOCIAL ORDER (ENTEZAM-E-EJTEMAEI)*, ۱۰(۲), ۵۳-۸۴. SID. [In Persian] <https://sid.ir/paper/187462/en>

- Noorbala, F., Borjali, A., Ahmadian-Attari, M. M., & Noorbala, A. A. (۲۰۱۳). Effectiveness of compassionate mind training on depression, anxiety, and self-criticism in a group of Iranian depressed patients. *Iranian journal of psychiatry*, ۱۱(۳), ۱۱۳. [In Persian] <https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/۲۴۴۵۴۴۱۹/>
- Oh, H., Lee, D. G., & Cho, H. (۲۰۲۳). The differential roles of shame and guilt in the relationship between self-discrepancy and psychological maladjustment. *Frontiers in psychology*, ۱۴, ۱۲۱۵۱۷۷. doi: ۱۰.۳۳۸۹/fpsyg.۲۰۲۳.۱۲۱۵۱۷۷
- Pekin, Z., & Güme, S. (۲۰۲۵). Self-Criticism: Conceptualization, Assessment and Interventions. *Psikiyatride Güncel Yaklaşımlar*, ۱۷(۱), ۱۰۷-۱۲۳. doi: ۱۰.۱۸۸۶۳/pgy.۱۴۵۵۱۸۵
- Peláez-Fernández, M. A., Rey, L., & Extremera, N. (۲۰۱۹). Psychological distress among the unemployed: Do core self-evaluations and emotional intelligence help to minimize the psychological costs of unemployment?. *Journal of affective disorders*, ۲۵۶, ۶۲۷-۶۳۲.
- Porcelli, S., Kasper, S., Zohar, J., Souery, D., Montgomery, S., Ferentinos, P., ... & Serretti, A. (۲۰۲۰). Social dysfunction in mood disorders and schizophrenia: clinical modulators in four independent samples. *Progress in Neuro-Psychopharmacology and Biological Psychiatry*, ۹۹, ۱۰۹۸۳۵. <https://doi.org/۱۰.۱۰۱۶/j.jad.۲۰۱۹.۰۶.۰۴۲>
- Santini, Z. I., Jose, P. E., Cornwell, E. Y., Koyanagi, A., Nielsen, L., Hinrichsen, C., ... & Koushede, V. (۲۰۲۰). Social disconnectedness, perceived isolation, and symptoms of depression and anxiety among older Americans (NSHAP): a longitudinal mediation analysis. *The Lancet Public Health*, ۵(۱), e۶۲-e۷۰. [https://www.thelancet.com/journals/lanpub/article/PIIS۲۴۶۸-۲۶۶۷\(۱۹\)۳۰۲۳۰-۰/fulltext](https://www.thelancet.com/journals/lanpub/article/PIIS۲۴۶۸-۲۶۶۷(۱۹)۳۰۲۳۰-۰/fulltext)
- Schuster, P., Beutel, M. E., Hoyer, J., Leibing, E., Nolting, B., Salzer, S., ... & Leichsenring, F. (۲۰۲۱). The role of shame and guilt in social anxiety disorder. *Journal of Affective Disorders Reports*, ۶, ۱۰۰۲۰۸. <https://doi.org/۱۰.۱۰۱۶/j.jadr.۲۰۲۱.۱۰۰۲۰۸>
- Shareh H, Farmani A, Soltani E. Investigating the Reliability and Validity of the Cognitive Flexibility Inventory (CFI-I) among Iranian University Students. *PCP* ۲۰۱۴; ۲ (۱) :۴۳-۵۰. [In Persian] <http://jpcp.uswr.ac.ir/article-۱-۱۶۳-en.html>
- Shomali Ahmadabadi, M., Zabihi, M., Khodarahmi, A., & Barkhordari Ahmadabadi, A. (۲۰۲۴). The Mediating Role of Self-Criticism in the Relationship between Fear of Negative Evaluation and Social Anxiety in Medical Science Students. *Tolooebehdasht*, ۲۳(۴), ۴۴-۵۶. [In Persian] <http://dx.doi.org/۱۰.۱۸۵۰۲/tbj.v۲۳i۴.۱۷۰۴۶>
- Tangney, J. P., & Dearing, R. L. (۲۰۰۳). Shame and guilt. Guilford press.
- Tao, Y., Luo, D., Deng, T., & Ma, X. (۲۰۲۱). The Influence of Guilt Emotion on Cognitive Flexibility. In ۲۰۲۱ ۲nd International Conference on Mental Health and Humanities Education (ICMHHE ۲۰۲۱) (pp. ۵۷۹-۵۸۳). Atlantis Press. <https://doi.org/۱۰.۲۹۹۱/assehr.k.۲۱۰۶۱۷.۱۴۲>

- Thompson, R., Zuroff, D.C. (۲۰۰۴). The levels of self-criticism scale: comparative self-criticism and internalized self-criticism. *Personality and individual differences*, ۳۶, ۴۱۹-۴۳۰. [https://doi.org/10.1016/S0191-8869\(03\)00106-0](https://doi.org/10.1016/S0191-8869(03)00106-0)
- Ulusoy, S., Ramakan, E. D., Gulec, V., Alniak, I., & Yavuz, K. F. (۲۰۲۲). Do psychological inflexibility and self-criticism mediate the relationship between depression and addiction severity?. *Dusunen Adam*, ۳۵(۲), ۱۳۰-۱۳۷. DOI: [10.14744/dergisi.2022.00184](https://doi.org/10.14744/dergisi.2022.00184)
- Wang, H., Zhang, S., Feng, X., Li, J., Jiang, L., & Yi, X. (۲۰۲۵). The relationship between online risk exposure and depression among college students: the multiple mediating effects of emotional security and Suppress Happiness. *Frontiers in Psychology*, ۱۶, ۱۵۳۶۱۱۶. doi: [10.3389/fpsyg.2025.1536116](https://doi.org/10.3389/fpsyg.2025.1536116)
- Weightman, M. J., Knight, M. J., & Baune, B. T. (۲۰۱۹). A systematic review of the impact of social cognitive deficits on psychosocial functioning in major depressive disorder and opportunities for therapeutic intervention. *Psychiatry research*, ۲۷۴, ۱۹۵-۲۱۲. <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0165178118310960>
- Wong, M. Y. C., Fung, H. W., Wong, J. Y. H., & Lam, S. K. K. (۲۰۲۵). Exploring the longitudinal dynamics of self-criticism, self-compassion, psychological flexibility, and mental health in a three-wave study. *Scientific Reports*, ۱۵(۱), ۱۳۸۷۸. <https://doi.org/10.1038/s41598-025-95821-1>
- Yao, J., Lin, Q., Zheng, Z., Chen, S., Wang, Y., Jiang, W., & Qiu, J. (۲۰۲۲). Characteristics of implicit schemas in patients with major depressive disorder. *General Psychiatry*, ۳۵(۳), ۱۰۰۷۹۴. <https://doi.org/10.1136/gpsych-2022-100794>
- Zhang, X., Wang, J., Wang, Y., Wang, J., & Luo, F. (۲۰۲۵). The Effects of Mindfulness on Shame: Exploring Mediation by Cognitive Flexibility and Self-Compassion in a Chinese Adult Population. *PsyCh Journal*, ۱۴(۲), ۲۷۷-۲۸۹. <https://doi.org/10.1002/pchj.817>
- Zhao, J., Gao, F., Xu, Y., Sun, Y., & Han, L. (۲۰۲۰). The relationship between shyness and aggression: The multiple mediation of peer victimization and security and the moderation of parent-child attachment. *Personality and individual differences*, ۱۵۶, ۱۰۹۷۳۳. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2019.109733>
- Zhao, J., Song, F., Chen, Q., Li, M., Wang, Y., & Kong, F. (۲۰۱۸). Linking shyness to loneliness in Chinese adolescents: The mediating role of core self-evaluation and social support. *Personality and Individual Differences*, ۱۲۵, ۱۴۰-۱۴۴. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2018.01.007>